Wort des Tages لغتِ روز freiwillig

written by مرتضی غلام نژاد | دسامبر 18, 2016

freiwillig یک صفت می باشد
داوطلبانه ، آزادانه ، به اراده ی خود
چند مثال :

Freiwillige Helfer
کمک داوطلبانه , یاری داوطلبانه
Freiwillige Leistungen
کارآیی داوطلبانه ، بازدهی داوطلبانه

Bei der freiwilligen Feuerwehr
نزد آتش نشانی داوطلبانه کار کردن
Sich freiwillig für etwas melden
خود را برای چیزی داوطلبانه معرفی کردن

Ich mach es freiwillig!
من آنرا داوطلبانه انجام میدهم

توجه داشته باشید که freiwillig در زبان آلمانی می تواند معانی گسترده تری نیز داشته باشد ، یک داوطلب می تواند برای مدت طولانی در یک بخش همانند آتش نشانی خدمت رسانی کند و در کشور آلمان تا همین ۵ سال پیش ، در بعضی از شهرها و دهات های کوچک مردهای آن منطقه می بایستی به عنوان آتش نشان یا مدد رسان های اجتماعی به مدت ۶ ماه به طور داوطلب و رایگان خدمت رسانی می کردند و اگر کسی نمی خواست اینکار را انجام دهد ، می بایستی هزینه ای به دولت منطقه پرداخت میکرد.

نکته دیگر اینکه freiwillig یک صفت است و بر اساس اسم بعد از خودش دست خوش تغییر می شود.

و در آخر ناگفته نماند که با صفت freiwillig می توانیم به اسم Freiwillige برسیم که به معنی داوطلب است که این اسم هم می تواند مذکر و هم مونث باشد یعنی شکل مذکر و مونث آن همانند هم است.
Der Freiwillige داوطلب مذکر
Die Freiwillige داوطلب مونث

موفق باشید. ?
? Vie Erfolg